

بانوی ایثار

حجت الاسلام والمسلمین علی خادمی*

اشاره

از خودگذشتگی و ایثار از جمله فضایل مهم اخلاقی است که در آیات و روایات متعددی بر آن تأکید شده است؛ از جمله خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱ و [برای] کسانی [از انصار است] که پیش از مهاجران در سرای هجرت و ایمان [یعنی مدینه] جای گرفتند، [و] کسانی را که به سوی آنان هجرت کرده‌اند دوست دارند، و در سینه‌های خود نیاز و چشم داشتی به آنچه به مهاجران داده شده است نمی‌یابند، و آنان را بر خود ترجیح می‌دهند، گرچه خودشان را نیاز شدیدی [به مال و متاع] باشد. و کسانی را که از بخل و حرصشان بازداشته‌اند، اینان همان رستگارانند». امیر مؤمنان علیه السلام نیز درباره ایثار می‌فرماید: «غَايَةُ الْمَكَارِمِ الْإِيثَارُ»^۲ هدف اصلی همه مکارم اخلاقی، از خودگذشتگی است». همچنین فرمودند: «الْإِيثَارُ أَعْلَى الْمَكَارِمِ»^۳ از خودگذشتگی، برترین مکارم اخلاقی است».

این نوشتار برای آشنایی بیشتر با موضوع مهم «ایثار»، به دو پرسش اساسی پاسخ می‌دهد: معنا و اقسام ایثار چیست؟ بهترین راه متخلق شدن به این کرامت مهم اخلاقی کدام است؟

* نویسنده و استاد سطح عالی حوزه علمیه قم.

۱. حشر: ۹.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر المحکم، ص ۴۶۹.

۳. همان، ص ۵۴.

۱. معنا و اقسام ایثار

ایثار که در فارسی از آن به فداکاری و از خودگذشتگی تعبیر می‌شود، در لغت عرب و نیز معارف اسلامی به یک معنا به کار می‌رود: مقدم کردن چیزی بر چیزی یا کسی بر کسی.^۱ این کرامت بزرگ اخلاقی برخلاف آنچه در اذهان است، اختصاص به ایثار مالی ندارد و در دو حیث دیگر نیز کاربرد دارد. در ادامه به انواع ایثار به اختصار پرداخته می‌شود.

۱-۱. ایثار مالی

ایثار مالی بالاترین درجه جود و سخاوت است. تفاوت این نوع با انفاق در این است که هر نوع بخششی، انفاق به شمار می‌آید؛ ولی ایثار مالی زمانی است که انسان با وجود آنکه خود به چیزی احتیاج دارد، دیگری را مقدم کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»^۲ و آنها را بر خود مقدم می‌دارند، هر چند خودشان بسیار نیازمند هستند». یکی از مهم‌ترین شأن نزول‌هایی که برای این آیه شریفه نقل شده است، ماجرای ایثار مردم مدینه (انصار) است. ابن عباس می‌گوید: پیامبر خدا ﷺ در روز پیروزی بر یهود بنی‌نضیر (سال چهارم هجری) به انصار فرمود: «اگر مایل هستید، اموال و خانه‌هایتان را با مهاجران تقسیم کنید و در این غنایم با آنها شریک شوید؛ و اگر می‌خواهید، اموال و خانه‌هایتان از آن خودتان باشد و از این غنایم چیزی به شما داده نشود». انصار گفتند: هم اموال و خانه‌هایمان را با آنها تقسیم می‌کنیم و هم چشم‌داشتی به غنایم نداریم و مهاجران را بر خود مقدم می‌شمریم. آیه پیش‌گفته نازل شد^۳ و این روحیه کم‌نظیر آنان را ستود و مدالی پرافتخار بر پیشانی انصار زد.

۱-۲. ایثار معنوی

ایثار داشته‌های معنوی دومین نوع ایثار به شمار می‌رود و اهمیتش برای کسی که از جهان بینی صحیحی برخوردار است، از ایثار مالی بیشتر می‌باشد. در ادامه به مصادیقی در این باره اشاره می‌کنیم.

۱. ر.ک به: سید محمود هاشمی شاهرودی و همکاران، موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام، ج

۱۹، ص ۲۶۸.

۲. حشر: ۹.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۳۹۰.

الف) ایثار وقت

شیخ صدوق به سند صحیح از امام باقر علیه السلام نقل کرده است: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز صبح را با اصحابش اقامه کردند، سپس با آنان به گفتگو نشستند تا آنکه آفتاب زد. اصحاب یکی پس از دیگری خارج شدند تا جایی که فقط دو نفر با ایشان باقی ماندند: یک نفر انصاری و دیگری مردی ثقفی. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به آن دو فرمودند:

می دانم که کاری دارید و می خواهید از من بپرسید. اگر دوست داشته باشید، پیش از آنکه شما بپرسید، به شما بگویم که چه می خواهید و اگر دوست دارید، شما خود بپرسید. گفتند: خودت به ما خبر بده ای پیامبر خدا؛ زیرا این کار در ازین بردن کوری دل، مؤثرتر و در زدودن تردید، کارگتر است و ایمان را استوارتر می کند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: **أَمَّا أَنْتَ يَا أَحَا الْأَنْصَارِ فَإِنَّكَ مِنْ قَوْمٍ يُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَنْتَ قَرَوِيٌّ وَ هَذَا التَّقْفِيُّ بَدَوِيٌّ أَ فَتُؤْتِرُهُ بِالْمَسْأَلَةِ؛** اما تو ای برادر انصاری، از قومی هستی که دیگران را بر خویشان مقدم می دارند. تو آبادی نشین هستی و این مرد ثقفی، بیابانگرد است. آیا در سؤال کردن، او را بر خود مقدم می داری؟ مرد انصاری گفت: آری. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اما ای مرد ثقفی، تو آمده ای تا درباره وضو و نماز و ثوابی که در این دو هست، از من سؤال کنی». آن گاه برایش توضیح دادند. سپس رو به انصاری کرده و فرمودند: «تو آمدی که درباره حج و عمره سؤال کنی ...»^۱

ب) ایثار دعا

زید نرسی کوفی (از محدثان امامی قرن دوم) می گوید: من و معاویه بن وهب در عرفات با هم بودیم. او در حال دعا بود که اشک هایش را مشاهده نمودم. دقت کردم دیدم برای خودش حتی یک دعا هم نکرد، بلکه برای افرادی از گوشه و کنار جهان دعا می کند و نامشان و نام پدرانشان را می برد. وقتی مردم از عرفات کوچ کردند، به او گفتم: ای عمو، از تو چیز عجیبی دیدم. گفت: چه چیز عجیبی دیدی؟ گفتم: در این محل حساس، برادرانت را بر خود مقدم داشتی و برای دیگران دعا کردی. گفت: ای برادرزاده، از این کارم تعجب نکن؛ چون از مولایم (امام صادق علیه السلام) یا امام کاظم علیه السلام شنیدم که می فرمود: «کسی که برای برادر مؤمنش در غیاب او دعا کند، فرشته ای از آسمان آسمان دنیا به او ندا می دهد: ای بنده خدا، صد هزار برابر آن دعا برای تو باد. و فرشته ای از آسمان

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۲.

دوم ندا می‌دهد: ای بنده خدا، دو یست هزار برابر آن دعا برای تو باد. همین طور تا آسمان هفتم که فرشته‌ای ندا می‌دهد: ای بنده خدا، هفتصد هزار برابر برای تو باد. آن‌گاه خداوند تبارک و تعالی به او ندا می‌دهد: من آن بی‌نیازی هستم که فقیر و محتاج نمی‌شوم. ای بنده خدا، یک میلیون برابر برایت باد». معاویه بن وهب در پایان به زید نرسی گفت: ای برادرزاده، کدام یک از این دو بزرگ‌تر است؛ آنچه من انجام دادم یا آنچه تو می‌گویی؟^۱

ج) ایثار مقام و آبرو

در مباحث اخلاقی و معرفتی به این نکته پرداخته شده است که آیا محبت انسان به جاه و موقعیت اجتماعی، پسندیده است یا ناپسند؟ پاسخ کلی این است که جاه نیز مانند مال اگر بالإصالة مورد توجه نباشد و راهی برای آثار مثبت و مفید - از جمله خدمت به دیگران - باشد، نه تنها ناپسند نیست، بلکه پسندیده و ممدوح خواهد بود.^۲

در حدیثی کوتاه از امیر مؤمنان علیه السلام، استفاده از موقعیت اجتماعی برای حل مشکلات دیگران، زکات و شکرانه مقام و موقعیتی دانسته شده که خداوند به انسان داده است: «بِذُلِّ الْجَاهِ زَكَاةُ الْجَاهِ».^۳

ابوهارون مکفوف نیز می‌گوید امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای ابوهارون، همانا خداوند به خودش سوگند خورده که هیچ خائنی همسایه او نباشد. گفتم: خائن کیست؟ فرمود: کسی که درهمی را از مؤمن دریغ بدارد یا چیزی از امر دنیا را از او باز دارد. گفتم: از خشم خدا به خدا پناه می‌برم. سپس فرمود: همانا خداوند بر خودش سوگند خورده که سه دسته را در بهشت خود ساکن نکند: کسی که سخن خدا را رد کند، یا سخن پیشوای هدایت را رد کند یا حق شخص مؤمن را منع کند. گفتم: آیا از اضافه مال خود به او بدهد؟ امام علیه السلام فرمود: «يُعْطِيهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ رُوحِهِ فَإِنْ بَخَلَ عَلَيْهِ مُسْلِمٌ بِنَفْسِهِ فَلَيْسَ مِنْهُ إِلَّا مَا هُوَ شِرْكُ الشَّيْطَانِ؛ از جان و روانش به او بدهد و اگر مسلمانی در برابر او از جان خود دریغ کند، از او نیست و شریک شیطان است».

۱. قطب‌الدین راوندی، الدعوات، ص ۲۸۹.

۲. ... الجاه كالمال وسيلة إلى الأغراض، فلا فرق بينهما ... (محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۶۴).

۳. عبدالواحد بن محمد آمدی تمیمی، غرر المحکم، ص ۳۱۳.

شیخ صدوق در توضیح عبارت «دادن جان و روان به برادر مؤمن» می‌گوید: «دادن جان و روان عبارت است از استفاده از مقام و موقعیت هنگامی که مؤمن به کمک او نیازمند باشد و آن اینکه در برآوردن نیازهای او کوشش کند»^۱.

۳-۱. ایثار جانی

بی‌تردید فداکردن جان، باارزش‌ترین انواع از خودگذشتگی است. انسانی که برای درمان یکی از اعضای بدن خود حاضر است بخش مهمی از اموالش را مصرف کند، گاه به مرتبه‌ای از حیات قدسی و ملکوتی می‌رسد که محبوب‌ترین دارایی خود که جاننش است را در راه آرمان‌های الهی می‌دهد. امامان معصوم علیهم‌السلام از امیر مؤمنان علیه‌السلام تا امام جواد علیه‌السلام ۲۵ ساله علیه‌السلام و امام عسکری علیه‌السلام ۲۸ ساله علیه‌السلام، نمونه‌های مهم این نوع ایثار هستند. حوادثی مانند خوابیدن در بستر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در لیلۃ‌المبیت تا جنگ‌های احد و حنین و...، یادآور جان‌فشانی بی‌نظیر امیر مؤمنان علیه‌السلام است. در ماجرای جنگ احد که به دلیل کمبود عده و عده مسلمانان، تلفات زیادی بر جبهه اسلام وارد شد، هفت نفر از رزمندگان به شدت زخمی شدند و در آستانه شهادت بودند، وقتی برایشان آبی آوردند که فقط برای یک نفر کافی بود، نفر اول گفت به فلانی بده که از من تشنه‌تر است. دومی هم گفت: به فلانی برسانید که از من تشنه‌تر است؛ همین‌طور تا هفت نفر. درنهایت همگی بآب تشنه جان دادند.^۲

شاعر در وصف اصحاب سیدالشهدا علیه‌السلام که عاشقانه در رکاب مولای خود جان دادند، این‌گونه سروده است:

جادوا بِأَنْفُسِهِمْ فِي حُبِّ سَيِّدِهِمْ وَ الْجُودُ بِالنَّفْسِ أَقْصَى غَايَةِ الْجُودِ

جان‌ها را در راه سرور خود دادند؛ و بخشیدن جان، منتهای بخشش است.^۳
عالمان ربانی شیعه نیز با تأسی از پیشوایان معصوم خود، از ایثار جان در راه حفظ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام دریغ نکردند. کتاب شهداء الفضیلة نگاشته علامه امینی، دربرگیرنده شرح حال ۱۳۰ تن از عالمان شهید قرن‌های چهارم تا چهاردهم است. در جریان‌های انقلاب اسلامی و

۱. شیخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۳۹۱.

۳. ابوالحسن شعرانی، ترجمه نفس المهموم، ص ۲۱۵.

جنگ تحمیلی نیز چهار هزار شهید روحانیت، نگینی پرافتخار در آسمان شهادت ایران اسلامی است.

۲. بهترین راه متخلق شدن به ایثار

بهترین و سریع‌ترین راه متخلق شدن به فضیلت اخلاقی ایثار، الگوپذیری از اسوه‌های الهی یعنی انبیا و اولیاست که دو اثر مهم را در پی دارد: الف) داشتن الگو، سختی‌های رسیدن به یک فضیلت را آسان می‌کند؛ ب) به سبب پیوند عاطفی میان انسان و الگوی الهی، رسیدن به آن فضیلت سرعت می‌گیرد.

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام میان پیامبران و دیگر اولیای الهی، الگویی بی‌نظیر برای متخلق شدن به کرامت بزرگ ایثار است؛ زیرا آن بانوی بزرگ با وجود اینکه کمترین سن را میان همه آنها داشته‌اند، نمونه‌های زیادی از هر سه نوع ایثار در زندگانی کوتاه ایشان وجود دارد که شمه‌ای از آنها را ذکر می‌کنیم.

۲-۱. فاطمه علیها السلام و ایثار مالی

صفحات اندک زندگانی بانوی بزرگ اسلام، مشحون از ایثارهای مالی متعدد است؛ به جز ماجرای ایثار غذای سه شب خود به مسکین، یتیم و اسیر به همراه دیگر اهل خانه، ماجراهای دیگری نیز نقل شده است:

الف) درآمد فدک: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سال هشتم هجری و پس از واقعه خیبر، فدک را به فاطمه علیها السلام اهدا کردند و به ملک شخصی ایشان درآمد. بعد از آن، تنها دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله که پدرش نیز حاکم جامعه اسلامی است و خود نیز برترین بانو، در عنفوان جوانی و اوج تمایلات زندگی به اموالی کم‌نظیر دست یافت و زمینه زندگی ویژه مادی برایش فراهم گردید؛ اما ایشان تمام درآمد فدک - و نه بخشی از آن - را که دست‌کم بیست و چهار هزار دینار گزارش شده است، در راه خدا ایثار می‌کند.^۱

ب) غذای شب: در منابع دینی نقل شده است مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از گرسنگی خود شکایت کرد. حضرت کسی را به خانه‌های همسرانش فرستاد، آنان گفتند: چیزی جز آب

۱. ر.ک: علی بن موسی ابن طاووس، کشف المحجبه، ص ۱۸۲.

نداریم. حضرت فرمود: کیست که امشب این مرد را پذیرایی کند؟ امیر مؤمنان علیه السلام گفت: من ای رسول خدا. علی علیه السلام نزد فاطمه آمد و داستان را به ایشان گفتند. فاطمه علیها السلام پاسخ داد: «مَا عِنْدَنَا إِلَّا قُوْتُ الْعِشِيَّةِ لَكِنَّا نُؤْتِرُ صَيْفَنَا؛ جز غذای امشب، چیزی نداریم؛ اما میهمان خود را ترجیح داده و غذا را به او خواهیم داد».

علی علیه السلام به صدیقه طاهره علیها السلام فرمود: کودکان را بخوابان و چراغ را خاموش کن. صبح آن روز که امیر مؤمنان علیه السلام خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را درباره آنان تلاوت فرمودند: «وَيُؤْتِرُونَ عَلِيَّ أَنْفُسِهِمْ...»^۱

ج) آزاد کردن برده: جریان دیگری را اَسْمَاء بنت عمیس برای امام سجاد علیه السلام نقل کرده است: نزد جدّه شما فاطمه علیها السلام بودم که رسول خدا صلی الله علیه و آله داخل شد. بر گردن فاطمه علیها السلام گردنبندی از طلا بود که علی بن ابی طالب علیه السلام آن را از فیء که برای او بود، خریداری کرده بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه فرمود: «فریب نخوری از اینکه مردم بگویند تو دختر محمد هستی و لباس جباران را پوشیده باشی». فاطمه علیها السلام پس از این موعظه رسول خدا صلی الله علیه و آله، گردنبند را باز کردند و فروختند و با پول آن بنده‌ای را آزاد کردند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هم از این کار فاطمه علیها السلام خوشحال شدند.^۲

۲-۲. فاطمه و ایثار معنوی

قطعاتی از تاریخ حیات پربرکت بانوی ایثار که در ادامه می‌آید، گویای این است که زهرای مرضیه علیها السلام در ایثار معنوی نیز الگویی بی‌نظیر است.

الف) ایثار وقت: افزون بر تأکید فراوان به داشتن روحیه پرسش‌گری، از پرسیدن زیاد و خسته کردن سؤال‌شونده نیز نهی شده است.^۳ با این وجود صبر و حوصله زیاد صدیقه طاهره علیها السلام در برابر پرسش‌های زیاد بانوی پرسش‌گری که پس از پرسیدن ده سؤال از زیادی پرسش‌هایش شرمنده شده بود، نشان‌دهنده ایثار معنوی بانوی بزرگ اسلام است. امام عسکری علیه السلام فرمودند: زنی خدمت زهرای مرضیه علیها السلام آمد و گفت: مادر ناتوانی دارم که سؤالی درباره نمازش پیش آمده

۱. ملا محسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۵۷.

۲. باقر شریف قرشی، حیات الإمام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۶. همچنین جریان ایثار گردنبندی را که دختر حمزه به ایشان هدیه داده بود، نک: محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۵۶.

۳. ر. ک به: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۰.

است؛ من را نزد شما فرستاده تا از شما پرسم. حضرت جواب پرسش آن زن را دادند. سپس پرسش دومی را پرسید و بانوی ایثار نیز جواب دادند. همین طور ده پرسش را مطرح کرد و حضرت نیز جواب دادند. آن زن بابت زیاد پرسیدن خجالت کشید و گفت: ای دختر رسول خدا، قصد به زحمت انداختن شما را ندارم. حضرت فرمودند: «هرگاه پرسشی برایت پیش آمد، بیا و از من پرس. آیا اگر شخصی اجیر شود که بار سنگینی را یک روز حمل کند، اما اجرتش صد هزار دینار باشد، حمل این بار برای او سنگین است؟». آن زن گفت: نه. حضرت فرمودند: «من در برابر هر پرسشی که به تو جواب دادم، بیش از میان زمین و آسمان مروارید دریافت می‌کنم؛ پس شایسته است که بر من سنگین نباشد». سپس فرمودند: از پدرم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که فرمودند:

إِنَّ عُلَمَاءَ شِيعَتِنَا يُحْشَرُونَ فَيُخْلَعُ عَلَيْهِمْ مِنْ خِلَعِ الْكِرَامَاتِ عَلَى قَدَرِ كَثْرَةِ عُلُومِهِمْ وَ جِدَّتِهِمْ فِي إِزْشَادِ عِبَادِ اللَّهِ حَتَّى يُخْلَعُ عَلَى الْوَاحِدِ مِنْهُمْ أَلْفُ أَلْفِ حُلَّةٍ مِنْ نُورٍ...؛

عالمان شیعه ما در حالی محشور می‌شوند که پاداش‌های نیکویی به آنها عطا می‌شود؛ این پاداش‌ها به مقدار کثرت علوم آنها و جدیت‌شان در راهنمایی بندگان خداست؛ تا جایی که بر یک نفر از آنها، هزاران خلعت از نور داده می‌شود...^۱

ب) ایثار دعا: شیخ صدوق باب ۱۴۵ کتاب علل الشرایع را این‌گونه نام‌گذاری کرده است: «علت اینکه فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام برای دیگران دعا می‌کرد نه خودش»، سپس دو روایت را بیان می‌کند. روایت اول را فاطمه صغری از پدرش سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَام و او از امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام و روایت دوم را امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام از پدران بزرگوارش عَلَيْهِمُ السَّلَام نقل می‌کند که داستان معروف «الْجَارَ ثُمَّ الدَّارَ» است. در روایت نخست آمده است: «شب جمعه‌ای بود که دیدم مادرم فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام در محراب عبادت ایستاده و پیوسته در حال رکوع و سجود است تا سفیدی صبح طالع شد. در طول این مدت شنیدم که برای مؤمنین و مؤمنات به اسم و فراوان دعا می‌فرمود؛ ولی برای خودش هیچ دعایی نکرد. پرسیدم: مادر، چرا همان طوری که برای دیگران دعا نمودی، برای خود دعا نفرمودی؟ فرمودند: فرزندم، اول همسایه، سپس اهل خانه».^۲

۱. ر.ک به: محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳.

۲. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۲.

ج) ایثار مقام و آبرو: بی تردید اگر فاطمه علیها السلام قصد دفاع از امامت بلافضل امیر مؤمنان علیه السلام را نداشتند و درباره انحراف اسلام ناب احساس تکلیف نمی کردند، نه تنها خروجی های سقیفه با ایشان درگیر نمی شدند، حتی برای ظاهرسازی ایشان را مورد تکریم فراوان قرار می دادند؛ با این وجود بانوی ایثار در جایگاه سیده زنان و تنها یاگار رسول خدا صلی الله علیه و آله، همه مقام و موقعیت خود را به میدان دفاع از امامت و ولایت آورد؛ همچنین در خطبه معروف و چند ملاقات دیگر، همراه با امیر مؤمنان علیه السلام و حسنین علیهما السلام، شبانه درب خانه مردم مدینه را کوبید و تمام تلاش خود را برای نجات اسلام از دست مدعیان نااهل به کار بست.^۱

۲-۳. فاطمه و ایثار جانی

از برادران مسلمانی که باورداشت شهادت زاهرای اطهر علیهم السلام برایشان گران است، می پرسیم مطابق تصریح بزرگانی چون ذهبی، بانوی بزرگ اسلام پنج فرزند داشتند؛^۲ سرگذشت حسنین علیهما السلام و زینب علیها السلام در تاریخ منعکس شده است؛ اما از تاریخ زندگانی «محسن علیه السلام» چه اخباری وجود دارد و سرنوشت ایشان چه شد؟ آیا جز این است که در فاجعه هجوم به خانه فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام، محسن علیه السلام نیز به شهادت رسید؟^۳ در اثبات الوصیه گزارشی نقل شده است که بیش از هزار سال از آن می گذرد:

فَأَقَامَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَمَنْ مَعَهُ مِنْ شِيعَتِهِ فِي مَنَازِلِهِمْ بِمَا عَاهَدَهُ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَوَجَّهُوا إِلَى مَنْزِلِهِ فَهَجَمُوا عَلَيْهِ وَأَخْرَقُوا بَابَهُ وَاشْتَحَرَّ جُوهَ مِنْهُ كَرْهًا وَضَعَطُوا سَيِّدَةَ النَّسَاءِ بِالْبَابِ حَتَّى أَشَقَطَتْ مُحْسِنًا؛^۴ [پس از احتجاج با غاصبان خلافت] علی علیه السلام و شیعیانش طبق پیمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از او گرفته بود، در منازل خویش خانه نشین شدند. آن گاه (غاصبان و حامیانشان) متوجه منزل آن حضرت شده و بر آن بزرگوار هجوم بردند و درب

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۱۴. گفتنی است در منابع مورد توجه همچون کتاب سلیم، الإمامة والسیاسة و شرح ابن ابی الحدید، به عدد چهل شب که درباره این ماجرا گفته می شود، اشاره نشده است. تنها در اختصاص (مشکوک المؤلف)، ص ۱۸۴، عبارت «أربعین صباحاً» آمده است که ضمن همخوان نبودن با دیگر نقل ها، تعبیر از صبح به شب نیز بعید به نظر می رسد.

۲. محمد بن احمد ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۴۱۵.

۳. ر.ک: محمد بن عبدالکریم شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۷۱.

۴. علی بن حسین مسعودی، إثبات الوصیة، ص ۱۴۶.

خانه او را سوزانیدند و ایشان را بدون رضایت از منزل خارج کردند، و سیده زنان را به وسیله لنگه درب طوری فشرده که محسن خود را سقط کرد.

گزارش جانسوز دیگری را عمادالدین طبری (قرن هفتم هجری) این گونه نقل کرده است: روز بعد از شهادت فاطمه علیها السلام، مردم برای اقامه نماز میت روی به خانه فاطمه نهادند. مقداد، ابوبکر را دید و به او گفت: دیشب فاطمه علیها السلام را به خاک سپردیم. عمر به ابوبکر گفت: من به تو نگفتم که آنان چنین خواهند کرد (و فاطمه علیها السلام را مخفیانه دفن می کنند). مقداد گفت: فاطمه علیها السلام خودش وصیت کرده بود که شما بر جنازه او نماز نخوانید. عمر دستش را بالا برد و بر سر و روی مقداد فرود آورد و به اندازه ای او را کتک زد که خودش خسته شد. در نهایت مردم مقداد را از دست عمر خلاص کردند. مقداد برابر ابوبکر و عمر ایستاد و گفت: دختر رسول الله در حالی از دنیا رفت که خون از پشت و پهلوی او جاری بود. علتش هم ضربه شمشیر و تازیانه ای بود که شما بر او زدید. من که پیش شما حقیرتر از علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام هستم.^۱

نکته پایانی

این ایام که جبهه مقاومت اسلامی در حال رویارویی با صهیونیسم غاصب و قصاب است، خبرهای تلخ و شیرین فراوانی را می شنویم و می بینیم. سید شهیدان مقاومت جناب سیدحسن نصرالله و دیگر شهیدان مظلوم جبهه اسلام، افزون بر ایثار جان، ایثار مقام و آبرو نیز در پرونده مبارکشان نقش بسته است و با تحمل تهمت ها و آزارهای گوناگون، نشان دادند راه صدیقه طاهره علیها السلام در دفاع از کیان اسلام، رهروانی راستین دارد. ایثارهای مالی فراوانی همچون بخشش هزینه عروسی، منزل مسکونی و ... نیز نشان از موفقیت بی نظیر مدرسه علم و عمل اهل بیت علیهم السلام در پرورش انسان هایی ایثارگر است که در روزگار پرزرق و برق دنیای کنونی، طعم ایثار و گذشتن از مهم ترین دارایی مالی را بر آسایش خود ترجیح می دهند.

کتاب نامه

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، چ ۱، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.

۱. حسن بن علی طبری، کامل بهایی، ص ۳۱۴، با مقداری ویرایش.

۲. ابن طاووس، علی بن موسی، كشف المحجة لثمرة المهجة، چ ۱، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، ۱۴۱۲ ق.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، چ ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۴. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، چ ۲، قم: دار الكتاب الإسلامي، ۱۴۱۰ ق.
۵. ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، چ ۱۰، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ ق.
۶. راوندی (قطب‌الدین)، سعید بن هبة‌الله، الدعوات، چ ۱، قم: مدرسه امام مهدي (عج)، ۱۴۰۷ ق.
۷. شعرانی، ابوالحسن، دمع السجوم (ترجمه نفس المهموم)، چ ۱، قم: هجرت، ۱۳۸۱ ش.
۸. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، چ ۴، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۵ ق.
۹. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، چ ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۱۰. _____، الخصال، چ ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۱۱. _____، علل الشرایع، چ ۱، قم، داوری، ۱۳۸۵ ش.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۳. طبرسی، علی بن حسن بن فضل، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، چ ۲، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ ق.
۱۴. طبری (عمادالدین)، حسن بن علی، کامل بهائی، چ ۱، تهران: مرتضوی، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. فیض کاشانی، محمد محسن، تفسیر الصافی، چ ۲، تهران: مكتبة الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۱۶. قرشی، باقر شریف، حیاة الإمام الرضا عليه السلام، چاپ ۲، قم: سعید بن جبیر، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (اصول، فروع، روضه)، چ ۴، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، چ ۱، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة؛ چاپ ۳، قم: انصاریان، ۱۳۸۴ ق.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۱. نراقی، محمد مهدي، جامع السعادات، چ ۴، بیروت: الأعلمی، [بی تا].
۲۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود و همکاران، موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام، چ ۱، قم: مؤسسة دائرة معارف الفقه الإسلامي، ۱۴۲۳ ق.